

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تذکرات استاد طیب ناظر بر ناآرامی‌های اخیر کشور (۵)

زن باید مانند مرد، با شخصیتش در جامعه مطرح شود نه با جنسیتش

با توجه با آیات ۵۷ تا ۵۹ سوره مبارکه نحل، مشرکین، ملائکه را دختران خدا می‌دانستند؛ اما دختردار شدن برای خودشان مایه ننگ بود و دختران خود را یا زنده‌به‌گور می‌کردند و یا با سرافکنندگی نگاه می‌داشتند. در چنین جامعه‌ای اسلام آمد برای زن حقوقی قائل شد که جوامع به اصطلاح مترقی در دنیای امروز به تازگی مدعی قبول آن هستند. تا یک و نیم قرن پیش، در بسیاری از کشورهای غربی زن حق رأی نداشت؛ در حالیکه اسلام چهارده قرن قبل، برای زن حق رأی قائل شد. در واقعه غدیر خم به فرمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنان هم با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند.

امروز میدان‌داران فریب و انحراف، که این شعار ظاهری دفاع از زن را مطرح کرده‌اند و جامعه را به آشوب کشیده‌اند، معتقدند اسلام به زن ظلم کرده، اسلام زن ستیز است، زن را از آزادی‌هایش محروم کرده، و به این دلیل اسلام مردود است. اما عزتی که اسلام به زن داد، غیرقابل مقایسه با شرایط دنیای امروز است! زن دنیای امروز چیست؟ ابزار شهوترانی و جذابیت‌های جنسی و ابزار فروش کالاهای تجاری! هالیوود، این بزرگ‌ترین پایگاه سینمایی دنیا و معرف فرهنگ غرب، زن را چگونه عرضه می‌کند؟ جز یک عروسک جذاب که شهوت‌ها را به خود جلب می‌کند؟ شخصیتی که دنیای غرب به زن داده، واقعاً چه شخصیتی است؟ اسلام فرمود زن مانند مرد، باید با شخصیتش در جامعه مطرح شود! نه با جنسیتش! و برای اینکه شخصیتش دیده شود، باید جنسیتش پوشیده شود. اگر حواس‌ها به جذابیت‌های جنسی او جلب شود، مردها به او به‌عنوان یک انسان صاحب تفکر و اندیشه بلند، صاحب فضیلت‌های اخلاقی، صاحب علم و دانش نگاه نمی‌کنند. فقط به‌عنوان یک ابزار شهوترانی و

لذت‌جویی به او نگاه خواهند کرد. لذا فرمود باید این جنبه پوشیده شود، و جذآبیت‌های جنسی محدود به روابط خانوادگی و زناشویی شود. زن باید با اندیشه‌ها، تفکرات، فضیلت‌های اخلاقی، و شخصیت والای انسانی در جامعه حضور پیدا کند

جایگاه زن در فرهنگ غربی

دنیای غرب، زن را چگونه پرورانده و عرضه می‌کند؟ زن غربی چه منزلت، جایگاه و مرتبتی دارد که زن ما حسرت او را بخورد و افتخار کند که روسری را از سر بردارد، لباس‌های پوشیده را کنار بگذارد و جذآبیت‌های جنسی خود را عرضه کند؟ این برای زن افتخار است؟ در دنیایی که زن مایه ننگ بود، پیغمبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جلوی پای دختر کم سن و سال خودش به احترام می‌ایستاد؛ جای خود را به او می‌داد؛ دست او را می‌بوسید! امیدواریم چشم‌ها باز شود، و بلایی را که غرب بر سر زن آورده است، ببینیم.

آیا نگاه اسلام به درستی به دخترانمان منتقل شده؟!

البته این انتقاد به ما وارد است که ما بد عمل کردیم و نتوانستیم نگاه اسلام را به درستی به دخترانمان منتقل کنیم. سوء عملکردهای مردان در تعامل و مواجهه با زنان هم آنها را در برابر حمله فرهنگ غربی آسیب‌پذیر کرد. امیدوار هستیم خدای متعال ما را هشیار و متوجه کند که ابزار دست دشمن قرار نگیریم، و به گونه‌ای رفتار نکنیم که نوعی تأیید باشد برای کسانی که علم مبارزه با دین را برداشته‌اند.

باب نقد را نبندیم

باید توجه داشت که تعداد زیادی از دختران و زنانی که روسری از سر برمی‌دارند و شعار اختلاط با مردان را می‌دهند و خواهان حاکم شدن الگوی زن غربی در جامعه‌اند، ناآگاه و جاهلند و مغرض .

دشمن نیستند. با اکثریت جاهل باید درست تعامل کرد. باید میدان داد و حرف‌هایشان را شنید. باید باب نقد و گفتگو باز باشد. باب سؤال و توضیح خواستن مردم از مسؤولین مفتوح باشد.

نامه‌های تند امیرالمؤمنین علیه‌السلام را که به بعضی از کارگزاران خود نوشته‌اند، در نهج‌البلاغه بخوانید! این نامه‌ها نشان می‌دهد با اینکه اینها کارگزاران مستقیم امیرالمؤمنین علیه‌السلام بودند، خراب کردند؛ خیانت کردند؛ در بیت‌المال تصرف‌های نامشروع کردند. گرچه ولایت اولیاء جامعه شاخه‌ای از ولایت معصوم است، و ولایت معصوم شاخه‌ای از ولایت الله است؛ اما هیچ‌کس الله نمی‌شود! و هیچ غیرمعصومی، معصوم نمی‌شود. لذا باب نقد، توضیح خواستن و تظلم باید در تمام رده‌ها باز باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند: اگر کسی بددهن بود و تند حرف زد، تحمل کن. انتظار نداشته باش همه اصول ادبیات دیپلماتیک را در گفتگوی با تو مراعات کند. او صرفاً یک شهروند است که دردش آمده؛ دو تا حرف تند و بی‌ادبانه هم زد، تحمل کن و توضیح بده. اگر خواهش‌های دارد که از دستت برمی‌آید انجام بده. اگر خواهش‌های ناموجه است یا در توان تو نیست، دست‌کم با دل شاد او را روانه کن. طوری با او حرف بزن که رنجیده‌خاطر نشود. چون فردی که رنجیده‌خاطر است و سؤال‌هایش جواب داده نشده، طعمه بسیار مناسبی است برای کسانی که می‌خواهند برای به هم ریختن جامعه از او ابزار بسازند.

مردم باید بتوانند به‌صراحت شکایت و انتقاد کنند و همه مسؤولان از بالاترین رده تا پایین‌ترین رده باید مردم را قانع کنند؛ چون بقای حکومت به رضایت مردم است. هیچ‌کس نگوید من مستثنا هستم. اگر پذیرش و همراهی مردم نباشد، امام معصوم هم که باشد، خانه‌نشین می‌شود. اگر ما به رضایت مردم بی‌اعتنا شویم، بقای حکومت مورد تهدید قرار می‌گیرد. رضایت مردم وقتی حاصل می‌شود که به ابهامات و ایرادات آنها پاسخ داده شود و هرجا ایراد وارد است، فرد مسؤول اعتراف کند و اشتباهش را تصحیح کند.

زمانه ادب می‌کند کسی را که ...

اگر راه نقد باز باشد، سلامت سیستم تضمین می‌شود. اما اگر چنین نکنیم، فرمود: مَنْ لَمْ يُؤدِّبْهُ الْاَبُوَانِ اَدَبُهُ الزَّمَانِ: کسی که پدر و مادر نتوانند تربیتش کنند، زمانه تربیتش می‌کند؛ یعنی سرش به سنگ می‌خورد و ادب می‌شود و ناگزیر می‌شود خودش را تصحیح کند. بحران‌های اجتماعی، همان سر به سنگ خوردن است. این بیمار روزی که سالم بود، اگر خودش را تقویت کرده بود، واکسن زده بود، اصلاً بیمار نمی‌شد؛ ولی حالا که رعایت نکرده، باید اعتراف کند که من اشتباه کردم، واکسن نزدم. اگر این کار انجام شود، سلامت سیستم تضمین می‌شود.

برخورد و شیوه تعامل ما با مردم در دریافت نظرهای منفی، باید تصحیح شود. چرا در شرایط فشار خانه گفتگو درست کنیم؟ چرا تا بیمار نشده‌ایم، به فکر واکسینه کردن خودمان نیستیم؟ وقتی از درد به خودمان می‌پیچیم، تازه می‌فهمیم که باید واکسن می‌زدیم! البته با بروز این ناآرامی‌ها، امیدوارم واقعاً درک کرده باشیم که باید واکسن بزنیم. طوری نباشد که تا کمی تبمان پایین آمد، دوباره واکسن زدن یادمان برود!

پذیرای نقدها باشیم. تا کسی زد نگوئیم ما خودمان بهتر می‌دانیم و مطلعیم. اگر هم می‌دانی؛ باید اجازه بدهی گفته شود. قرآن فرمود: **فَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ**. باب نقد باید در روزنامه‌ها و رسانه‌ها با ادبیات خوب، نه با ادبیات فحاشی، باز باشد. مسؤولین هم پذیرا باشند و با دامنه تحمل گسترده‌تری با نقدها مواجه شوند که مردم به نقطه‌ای نرسند که فشار عصبی و هیجانات، آنها را مستعد کند برای اینکه دشمن از آنها سوءاستفاده کند؛ گر چه خودش دشمن نیست! فقط یک فرد مسأله‌دار است و ابهام دارد و انتظار دارد برای حرف‌هایش جواب بگیرد. الزاماً هم حرف‌هایش درست نیست. اگر هم درست نباشد، با منطق و دلیل و با زبان نرم، با شیوه‌های درست گفتگو، می‌شود او را متقاعد کرد. اگر با این زبان مواجه شویم، بهتر تصحیح می‌شود.

تصویر تلخ از دین نشان ندهیم

نکته دیگر اینکه تا کسی انتقاد کرد، نگوییم اگر راست می‌گویی خودت بیا اداره کن! این حرف بی‌معنی است. مثل این است که من بروم دکتر، دکتر نتواند مرا معالجه کند، بعد که می‌گویم این دکتر خوبی نیست، به من بگویند که اگر راست می‌گویی بیا خودت معالجه کن! تو که یک بیماری ساده را نمی‌توانی معالجه کنی، حق نداری به پزشکی که یک بیماری سخت را نتوانسته درمان کند، ایراد بگیری. باید گفت من که ادعای دکتری نداشتم! تو گفتی من دکتر هستم! با این سخن غیرمنطقی دهان منتقد را نبندیم! نگوییم اگر تو وزیر می‌شدی از این بدتر عمل می‌کردی. من که مدعی صلاحیت وزیر شدن نیستم! تو ادعای وزیر بودن کردی! تو باید وزیر خوبی باشی و باید باب نقد عملکرد تو به رویم باز باشد. باید بتوانم بگویم این چطور اداره کردن وزارتخانه است؟ چرا اقتصاد، فرهنگ، صنعت و... این بلا سرش آمده است؟! باب نقد و گفتگو را نبندیم. حرف و نقدی که بیان نشود بالاخره به شکلی غیرمعمول از وجود فرد بیرون می‌زند و این‌همه خسارت به بار می‌آورد.

البته وسط جایی که دارند آتش می‌زنند، نمی‌شود ایستاد و صحبت ملاطفت‌آمیز کرد. آنجا باید جلوی آتش زدن‌ها و کشتن‌ها را گرفت. ولی در شرایط عادی چرا ما کمی اهل لطافت نیستیم؟ چرا توضیح دادن به مردم را وظیفه خودمان نمی‌دانیم؟ چرا تصویری که از دین نشان می‌دهیم، یک تصویر تلخ است؟ چرا فقط با مقررات فقهی، دین را معرفی می‌کنیم؟ چرا عرفان و معنویت دین عرضه نمی‌شود؟ چرا در صدا و سیما، آموزش و پرورش، آموزش عالی و... یک معرفت دینی لطیف، دلنشین و جذاب به جامعه داده نمی‌شود؟ کمی محدودیت‌ها را باز کنیم. بگذاریم دیگرانی هم که میدان به آنها داده نشده، بیایند و روایت‌های لطیف و زیبا و معقول و خردپذیر از دین را بگویند. این قدر با تیغ گیوتین فقه به جان عرفان نیفتیم. هرکس تا دو کلمه حرف عرفانی زد، نگوییم مرتد است! مشرک است! دیدیم که بزرگواری مثل آیت‌الله حسن‌زاده آملی، آن کوه علم و معدن معنویت، چگونه غریبانه در حوزه زیست و

با چه غربتی از این دنیا رفت! واقعاً چرا حوزه‌های علمی ما در میدان دادن به فهم‌های غیرفقهی از دین، این قدر تنگ‌اندیشی می‌کنند؟!

اینها نقص‌های ماست و باز خورد این نقص‌ها را امروز داریم می‌بینیم. امیدواریم بازخوردهای تلخ و دردناک آنچه را که در این سال‌ها کردیم، بگیریم و بفهمیم که اشتباه کرده‌ایم. علّت‌ها و ریشه‌ها را درک کنیم و خودمان و کارمان را تصحیح کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ